

معنی را

چکیده

ما در این مقاله، کوشیده‌ایم معانی مختلف «را» را در کلیله و دمنه مورد بررسی قرار دهیم و برای هر معنی، نمونه‌ای از کتاب نقل کنیم. قابل ذکر است که برخی از معانی حرف «را» به چگونگی معنا و نوع تأویلی که می‌کنیم، بستگی دارد.

کلید واژه‌ها:

کلیله و دمنه، حرف «را».

۱. را به عنوان نشانهٔ مفعولی

ایزد تعالی و تقدس همیشه روی زمین را به جمال عدل و رحمت خداوند عالم شاهنشاه عادل اعظم ولی‌النعم آراسته دارد. (منشی، ۱۳۷۱: ۱۴)

۲. را در معنای «به»

رودکی شاعر را مثال داد تا آن را در نظم آرد. (۲۳): به رودکی شاعر ...

۳. را در معنای «از»

دستوری ده تا تو را بدل خویش ببندم و دوست خویش را عذری خواهم. (۷۶): ... از دوست خویش عذری خواهم.

۴. را در معنای «برای»

خردمندان دنیا را معلوم گشت که به دلالت عقلی و معجزات حسنی التفاوت نمی‌نمایند. (۳): برای خردمندان دنیا...

۵. را به معنای «در»

۱. اوایل صحبت او را حلاوت زندگانی است و اواخر آن را تلخی مرگ. (۱۰۵): در اوایل صحبت او حلاوت...

۶. را به معنای «در برابر»

اگر فرماید بروم و او را بیارم تا ملک را بنده‌ای مطیع و چاکری فرمان‌بردار باشد. (۷۳): ... تا در برابر ملک بنده‌ای مطیع...

۷. را به معنای «خاص»، «جهت»

این را «رای اختصاص» نام دارد. سپاس و ستایش مر خدای را - جل جلاله - که آثار قدرت او بر چهرهٔ روز روشن تابان است. (۲): سپاس و ستایش خاص خدای - جل جلاله...

۸. رای فک اضافه

آن موش را زبرا نام بود. (۱۶۰): نام آن موش زبرا بود.

۹. را در معنای «نزد»، «پیش»

صیت نیک‌بندگی من ملک را جاوید و مؤید گردد. (۳۶): صیت نیک‌بندگی من نزد ملک...

۱۰. را در معنای «بر»

پادشاه را در همهٔ معانی، خاصه در اقامت حدود و در امضای ابواب سیاست، تأمل و تثبیت واجب است. (۹۹): بر پادشاه در همهٔ معانی...

۱۱. را به معنای «در حق»

لکن خواستم که تو را بر اخلاق پسندیده و عادت ستوده معونتی واجب دارم و حقوق دوستی و هجرت تو بدان بگزارم. (۱۸۲): لکن خواستم که در حق تو...

۱۲. را در معنای «با»

و قضا آن را موافقت خواهد نمود. (۱۰۴): و قضا با آن...

۱۳. را به معنای «در باره»

اگر آن را خلافی روا دارم، به تناقض قول و رکت رای منسوب گردم. (۹۷): اگر دربارهٔ آن خلافی...

۱۴. رای زاید

البته برخی از ادیبان معتقدند که در زبان هیچ عنصری زاید نیست.

کریم، زندگی دراز برای تخلید ذکر و محاسن آثار را خواهد. (۹۸)

۱۵. را در افعال دوگانه که نایب از فعل امر است.

عاقل را از حطام این دنیا به کفاف خرسند باید بود. (۱۷۹): عاقل باید از... خرسند باشد.

۱۶. رای نهاد با فعلی مجهول

مثال می‌دهیم که آن را در اصل کتاب مرتب کرده شود. (۳۷)

۱۷. رای تغییر فعل

رایی که فعل‌های «بود و است» را به فعل «داشت یا دارد» تبدیل می‌کند.

محاسن این کتاب را نهایت نیست. (۱۹): محاسن این کتاب نهایت ندارد.

۱۸. را به معنای «در نظر»، «به نظر»

مرا هیچ تدبیر موافق‌تر از صلح گربه نیست که در عین بلا مانده است و بی‌معونست من از آن خلاص نتواند یافت (۲۶۸): به نظر من هیچ تدبیر موافق‌تر از...

۱۹. را در معنای «به واسطه»، «با استعانت از»

این را، «رای استعانت» نام دارد. سفیر میان ایشان زن حجامی بود. زن حجام را بدو پیغام داد که شوی من مهمان رفت؛ تو برخیز و بیا، چنان که من دانم و تو. (۷۶): ... به واسطهٔ زن حجام بدو پیغام داد...

نگارنده با توجه به بضاعت مزجات خود، ۱۹ مورد از معانی مختلف حرف «را» را در کلیله و دمنه فهرست کرده است؛ تا چه قبول افتد و چه در نظر آید، ممکن است «را» در معانی دیگری نیز در کلیله و دمنه به کار رفته باشد. امید است که خوانندگان محترم این بحث را کامل‌تر کنند.

منابع

۱. بهار، محمدتقی (ملک‌الشعرا)؛ سبک‌شناسی، جلد دوم، چاپ هفتم، تهران؛ امیرکبیر، ۱۳۷۳.
۲. خطیب رهبر، خلیل؛ دستور زبان فارسی (کتاب حروف اضافه و ربط)، چ ۳، تهران؛ مهتاب، ۱۳۷۲.
۳. نصرالله منشی؛ کلیله و دمنه، تصحیح و توضیح مجتبی مینوی، چ ۱۰، تهران؛ امیرکبیر؛ ۱۳۷۱.